

انتخاب محمود احمدی‌نژاد و سیاست تحریم اتحاد جمهوریخواهان در گفتگو با مهدی خانبابا تهرانی

روز گذشته مجلس شورای اسلامی ایران تقریباً به مهم‌ترین اعضای کابینه‌ی محمود احمدی‌نژاد رأی اعتماد داد. اپوزیسیون داخل و خارج از کشور بر این اعتقاد است که این کابینه‌ی نظامی - امنیتی ابزاری است برای پیشبرد سیاست‌های معینی در عرصه‌ی داخلی و خارجی است و هدفش نیز برچیدن تمامی اصلاحاتی است که رئیس‌جمهوری پیشین محمد خاتمی بدان دست یافته بود. در این زمینه صدای آلمان گفتگویی داشت با مهدی خانبابا تهرانی، کارشناس مسائل ایران.

گفتگو: داود خدابخش

دوچه وله: آقای خانبابا تهرانی، ترکیب کابینه‌ی آقای احمدی‌نژاد مشخص شده و اکثریت اعضای این کابینه از سوی مجلس رأی اعتماد گرفته‌اند. حالا با توجه به این ترکیب فکر می‌کنید این کابینه چه سیاستی را در عرصه‌ی داخلی و خارجی در پیش خواهد گرفت؟

مهدی خانبابا تهرانی: اجازه بدهید من نخست سیمای واقعی کابینه‌ی آقای محمود احمدی‌نژاد را در چند سطر خلاصه بکنم و از این می‌شود پی برد که چگونه سیاست‌هایی از این کابینه برخواهد خاست. کابینه‌ی احمدی‌نژاد، کابینه‌ای گوش بفرمان بیت رهبری آقای خامنه‌ای ولایت فقیه است. اکثر افرادی هم که در کابینه ایشان برگزیده شده‌اند دارای پیشینه‌ی امنیتی - نظامی و ضدیت با اصلاحات واقعی‌اند. از اینرو یک کابینه‌ی نظامی - امنیتی‌ست، با عضویت پنج وزیر دارای پیشینه‌ی نظامی - امنیتی و پنج وزیر عضو سابق سپاه پاسداران. این کابینه برآمده از جنگ بر ضد اصلاحات دولت آقای خاتمی و توسعه آزادی در کشورند. این کابینه، به نظر من، تا بحال بحدی محفلی‌ست که برخی از جناح‌های راست دیگر ضد توسعه‌ی سیاسی و آزادی مثل «هیأت مؤتلفه اسلامی» را هم در خودش قبول نکرده است. در این کابینه افرادی مثل آقای صفارهرندی که از اعضای تأثیرگذار شورای سردبیری سابق کیهان و از همکاران صدیق حسین شریعتمداری، معروف به «گوبلز» نظام ولایت فقیه و وابسته به بیت رهبری‌ست، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده تا با بستن فضای فرهنگی به برقراری شرایط سرکوب و سانسور مطبوعات، کتاب، تئاتر و سینما در عرصه‌ی فرهنگ و هنر اقدام بکند. این روشن است که سیاست آینده‌ی نظام چیست.

عضو دیگر کابینه آقای پورمحمدی است که معاون سابق فلاحیان، وزیر معروف اطلاعات و امنیت است که متهم به مشارکت در «قتل‌های زنجیره‌ای» است. پورمحمدی در مقام جدید خودش وظیفه‌ی امنیتی کردن فضای کشور را در وزارت کشور بعهده گرفته است. در اینجا شاید بتوان گفت که فقط جای آقای فلاحیان در آموزش و پرورش خالیست که چون دیروز هم آقای اشعری، نامزد وزارت آموزش و پرورش، رد صلاحیت شده است، شاید زعمای قم به این فکر بیفتند که ایشان را هم جاسازی کنند.

فرد دیگر کابینه‌ی آقای احمدی‌نژاد در پست وزارت اطلاعات و امنیت کشور آقای محسنی اژه‌ای است که نامبرده هم از گردانندگان سرکوب‌های دوران فلاحیان و «قتل‌های زنجیره‌ای» است و از مخالفین اصلاحات دولتی آقای خاتمی، که اکنون ماموریت بازگرداندن چرخ‌های وزارت اطلاعات را به دوران قبل از تلاش‌های آقای خاتمی در اصلاح این وزارتخانه بعهده گرفته است. این واقعیت را بسیاری حدس می‌زدند که وقتی آقای خاتمی برود نیروهای قشری یکی از کارهای اساسی‌ای که خواهند کرد اشغال مجدد وزارت اطلاعات است که بعد از «قتل‌های زنجیره‌ای» با شهادت آقای خاتمی، به نظر من، اصلاحاتی در آن انجام گرفت و تبدیل شد به وزارتخانه‌ای که بررسی بکند، آنالیز بکند یا اصولاً مسایل را بصورت پژوهشی دنبال بکند، نه بصورت آدمکشی و قتل و غارت. این بنظر من یکی از خطرناکترین ابزاری‌ست که الان اینها دوباره اشغالش کرده‌اند.

وزیر خارجه کابینه‌ی آقای احمدی‌نژاد هم، آقای منوچهر متکی، عضو سابق سپاه پاسداران است و از اعضای ارشد «قرارگاه رمضان» و سفیر سابق جمهوری اسلامی در ترکیه، که در هر دو پست سابق خودش هم از سازماندهندگان عملیات تروریستی در خاک عراق و ترکیه بوده است. اکنون با انتصاب به این مقام، به باور من، وظیفه‌ی اصلی‌اش از بین بردن آثار سیاست‌های خارجی دولت محمد خاتمی و بازگرداندن ساختارهای لازم سیاسی در این وزارتخانه برای پیشبرد سیاست خارجی بحران‌آفرین یا به اصطلاح خودشان «سیاست انقلابی» که در واقع یک سیاست ضدملی‌ست. به نظر من این وضعیت کنونی ممکن است کشور ما را با بحران‌هایی روبرو بکند. سایر اعضای کابینه‌ی آقای احمدی‌نژاد هم وصف و وضع بهتری ندارند. همگی جزو ابواب جمعی بیت حضرت رهبر و مافیای قدرت نظامی - امنیتی و مالی‌اند.

دوپیچه وله: فکر می‌کنید دولت آقای احمدی‌نژاد با چه موانع اجتماعی روبرو خواهد شد، با این توصیفات که شما کردید؟

مهدی خانبابا تهرانی: موانع اجتماعی زمانی آغاز خواهد شد که حرکت‌های مدنی، یعنی جنبش مدنی ایران، آغاز به فعالیت‌های مجدد بکند و بتواند از زیر بار فشارهای گذشته و سرخوردگی‌ها خودش را بیرون بکشد و بخاطر مصالح ملی ایران یک سیاست ملی و آزادیخواهانه را در مقابل دولت عرضه و مطرح بکند. بهرجهت، آنچه به نظر من می‌رسد، به زبان ساده به شما بگویم، کابینه‌ی احمدی‌نژاد دولت کودتای خزنده‌ی مافیاهای نظامی، امنیتی و مالی زیر فرمان ولایت مطلقه‌ی رهبری علیه اصلاحات واقعی و علیه دولت خاتمی بود که اینها مدت دو دوره با آقای خاتمی مخالفت کردند. من بر این نظر هستم که هرچند دولت احمدی‌نژاد با شعار «عدالت» و «اصلاح» بمیدان آمده، اما در حقیقت هدف و مأموریتش حفظ قدرت سرکوبگر حکومت اسلامی زیر علم ولایت مطلقه فقیه است و تمایل این دولت در واقع چیز دیگریست از آنچه در ظاهر نشان می‌دهد، مثل سیمای ضدآمریکایی و ضد غربی. اینها در حقیقت تمایلشان بسوی یک سیاست سازش با خارجی‌ست به قصد حفظ قدرت، به بهای سرکوب داخلی و مستقر کردن حکومت اسلامی.

به باور من باز، یکی از سیاست‌های خامنه‌ای - احمدی‌نژاد کم رنگ ساختن اصل جمهوریت نظام و جایگزینی آن با حکومت اسلامی‌ست. مجموعه‌ی برداشت‌های سیاسی - فرهنگی تاکنونی نیروهای ضد اصلاحات که اگر امروز به شکل دولت احمدی‌نژاد در زیر سایه‌ی بیست رهبری و آقای خامنه‌ای ظاهر شده است را ببینیم، سیاستی به‌زیان مصالح ملی ایران است و بازدارنده‌ی رشد جامعه‌ی ایرانی. من از اینرو بر این باورم که در چشم انداز میهن ما این سیاست شانس پیروزی ندارد. ممکن است در یکسال اول بتواند با سرکوب‌هایی به حیات خودش با تنفس‌های کوتاه ادامه بدهد، اما از آنجایی که جامعه ما یکی از ضرورت‌های تاریخی‌اش در حقیقت اصلاحات واقعی و استقرار جمهوریت و دموکراسی‌ست، این دولت با مقابله‌ی عمومی و یک مقاومت ملی روبرو خواهد شد. وضع سیاسی موجود در شکل و شمایل امروزی‌اش نمی‌تواند پایدار بماند و من فکر می‌کنم ناگزیر است با فعالیت چشمگیر جامعه مدنی، یعنی تشکل‌های مستقل از حکومت و شکلگیری حرکت‌های اعتراضی دموکراتیک و پیدایش جنبش‌های مدنی - اجتماعی، وارد مرحله‌ی گذار به دموکراسی شود. این حکم جامعه‌ی ماست و ضرورت تاریخی ما از مشروطیت بدینسوی. من فکر می‌کنم این امر بدون شک تا میزان معینی هم به رشد فرهنگ سیاسی در جامعه و بلوغ اندیشه‌ورزی سیاسی نیروهای اپوزیسیون در داخل ایران بستگی دارد.

دوپیچه وله: با توجه به شرایط کنونی اگر شما امکان انتخاب میان یک دولت اصلاح طلب دینی، بگویم همانند دولت آقای خاتمی، و دولت آقای احمدی‌نژاد داشته باشید، در این صورت کدام گزینه را انتخاب می‌کنید؟

مهدی خانبابا تهرانی: به نظر من عقل سلیم حکم می‌کند که همان دولت آقای خاتمی را ما برگزینیم برای ادامه‌ی اصلاحات و بردن استراتژی اصلاحات از سوی اصلاحات بقول شما «دینی» بسوی یک اصلاحات در واقعا ملی برای تغییرات اساسی در جامعه ایران. این خیلی روشن است.

دوپیچه وله: بنابراین پس چرا جمهوریخواهان خارج از کشور از آقای دکتر معین حمایت نکردند؟ این سوال را بدین جهت از شما می‌پرسم، زیرا که شما از بنیانگزاران اتحاد جمهوریخواهان هستید و در عین حال در انتخابات معتقد به تحریم یا عدم شرکت بودید. اگر از مبانی فکری جمهوریخواهان حرکت بکنیم، باید بگویم که این تشکل معتقد به دو اصل دموکراسی و سکولاریسم است. حالا در انتخابات ریاست جمهوری امسال می‌شود گفت که آقای دکتر معین هم دموکرات بودند و هم سکولار، ولی یک سکولار مسلمان مومن. ولی جمهوریخواهان راه تحریم را در پیش گرفتند و به ایشان رأی ندادند. آیا این کمی عجیب نبود؟

مهدی خانبابا تهرانی: ببینید، برای چگونگی و یا چگونه اتخاذکردن چنین موضعی از طرف جمهوریخواهان من فکر می‌کنم اینمورد نیازمند یک بحث طولانی‌تر یا یک بررسی است از پیش‌زمینه‌های اتخاذ چنین موضعی. این فقط مسئله‌ی جمهوریخواهان نبود. جامعه ایران در اواخر دوران حکومت آقای خاتمی یا دولت آقای خاتمی در یک حالت التهاب افتاده بود. خود اصلاح طلبان داخلی و حکومتی به نظر من چندپاره شده بودند و نمی‌توانستند اتخاذ تصمیم بکنند. از طرف دیگر نیروهای ملی - مذهبی و نیروهای ملی تا یکی دو ماه قبل از انتخاب باز چشم‌اندازی نداشتند. من موضع خودم را علنا اعلام می‌کنم، چنانکه سال قبل از انتخابات حتما در گفتگوی بازگشت آقای هاشمی رفسنجانی در بسیاری از رسانه‌ها اعلام کردم. باور من براین بود که جامعه‌ی ما در آن مرحله نیازمند یک کاندیدا یا یک نامزد مستقلی بود که از شاخه‌های قدرت حاکمه یا اصولا نظام فاصله می‌داشت. چنین کاندیدایی یا چنین نامزدی در آن مرحله پیدا نشد، علی‌رغم اینکه اپوزیسیون تلاش کرد یک چنین کاندیدی برای اصولا پیشبرد یک کارزار انتخاباتی، برای برقراری یک انتخابات آزاد بسود جمهوریت کسانی را پیدا بکند. اغتشاش در جبهه‌ی خود اصلاح‌طلبان داخلی،

چندگانی نامزدی بسیاری از این افراد مثل آقایان کروی، معین یا مثل آقای مهر علیزاده و غیره، اینها از یکطرف، از طرف دیگر اپوزیسیون خارج از قدرت آنها هم یگانگی نداشتند. من اینجوری خلاصه می‌کنم: حاصل جمع وضعیت سیاسی اپوزیسیون و پوزیسیون هردو و بویژه اپوزیسیون بیرون حکومت و اپوزیسیون داخل حکومت نتیجه‌ی آشفته فکری‌اش و عدم یگانگی‌اش برآمدن دولت آقای احمدی‌نژاد بود.

دوچپه وله: سوال آخر اینست که اگر در انتخابات بعدی در صورتیکه حتما انتخابات آزادی نباشد، یعنی آنگونه آزاد که شما می‌خواستید، یا جمهوریخواهان خارج از کشور می‌خواستند یا تحریم گران داخل کشور، اگر چنین انتخابات آزادی هم حتما نباشد، ولی یک کاندیدای اصلاح‌طلب در میدان حضور داشته باشد، آیا باز هم راه تحریم را باید در پیش گرفت؟

مهدی خانبابا تهرانی: اصولا به نظر من مسئله‌ی تحریم یک سیاست غیرفعال است. من خودم شخصا مسئله‌ی تحریم را که از حلال و حرام می‌آید پیشنهاد نکردم. من گفتم با مقابله‌ای که نیروهای عقب‌گرا با دولت آقای خاتمی کردند و در ماندگی اصلاح‌طلبان دولتی شرایط این دو وضع انتخابات یکی شرایطی است که مردم امتناع دارند از مشارکت در چنین انتخاباتی. یعنی یک زمینه‌ی امتناع ملی بوجود آمده است. وظیفه‌ی نیروهای اپوزیسیون تبدیل این امتناع ملی به یک جنبش ملی آزادیخواهانه برای استقرار و برقراری یک انتخابات آزاد است که آن انتخابات آزاد هم یک خواست طبیعی بود که منطبق با حقوق بشر است. آزادی احزاب، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و بیان. چیز عجیبی نبود.

دوچپه وله: ولی دیدیم که این امتناع آنچنان وسیع هم نبود.

مهدی خانبابا تهرانی: نه، این امتناع در اثر همان آشفته‌فکری که بین پوزیسیون و اپوزیسیون بود، بوجود نیامد. بخشی از نیروهای اصلاح‌طلب درون پوزیسیون که حزب مشارکت باشد و بسیاری از نیروهای ملی - مذهبی، در پایان کارزار انتخاباتی موضع قبلی خودشان را رها کردند. چون آنها می‌گفتند ما زمانی در انتخابات شرکت می‌کنیم که این پیش‌شرطها باشد. یکم، نظارت استصوابی نباشد. آقای یزدی می‌گفت اگر نظارت استصوابی شورای نگهبان باشد من شرکت نمی‌کنم. علیرغم اینکه شرکت کردند و شورای نگهبان هم آنها را حذف کرد، متأسفانه آقای معین عفو ملوکانه‌ی آقای خامنه‌ای را قبول کرد و به نظر من این از لحاظ روان - اجتماعی ضربه‌ی بزرگی به اصلاح‌طلبان دولتی بود و از این جهت بود که حرکت انتخابات به بسیج ملی نیانجامید. آنها با دستکاری‌هایی که توانستند در انتخابات بکنند و اصولا در یک حالت مانیپولاسیون یا عوام‌فریبی عمومی و بهره بردن از امکاناتی که داشتند با قوای نیروی سپاه، بسیج و منابر و مساجد، به نظر من توانستند یک انتخابات غیر قابل قبول ملی برای ایران و جهان بوجود بیاورند.

دوچپه وله: آقای خانبابا تهرانی، خیلی متشکرم از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

مهدی خانبابا تهرانی: من هم از شما بسیار سپاسگزارم.